

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: علم بر حسب ذات خودش به دینی بودن یا غیردینی بودن متصف نمی‌شود. ذات علم ارائه حقیقت است، یعنی عقل و علم بر حسب ذات خودش نه دینی است و نه سکولار.

نشست «آسیب شناسی علوم اجتماعی اسلامی»



به گزارش اسپاداناخبر به نقل از مهر؛ نشست «آسیب شناسی علوم اجتماعی اسلامی» با سخنرانی حجت الاسلام پارسانیا روز گذشته در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

حجت الاسلام پارسانیا در ابتدای این نشست با دسته بندی نقدهای موجود در مورد علوم انسانی اسلامی گفت: برخی از نقدها معرفتی و برخی اجتماعی است. نقدهای اجتماعی به خود مدعا کاری ندارند بلکه کارکردهای آن را در نظر می‌گیرند.

وی ادامه داد: هر کدام از این نقدها جایگاه مربوط به خود را دارد. اشکالات می‌تواند از سنخ اجتماعی و عینی و تاریخی باشد و می‌تواند صرفاً معرفتی باشد. دیدگاه‌های مختلفی در مورد اینکه کدام یک از این نقدها مهمتر است، وجود دارد که بحث دیگری را طلب می‌کند. بنده معتقدم هر دو دسته نقد جایگاه خود را دارد و هیچکدام نمی‌تواند جای دیگری را بگیرد.

پارسانیا با طرح اولین اشکال در مورد علوم انسانی اسلامی گفت: یک اشکال این است که می‌گویند به کار بردن لفظ تولید در علوم انسانی، کالانگاری علوم انسانی ناشی می‌شود، حال آنکه علوم انسانی از سنخ معرفت است و با خط تولید اشیاء و کالاهای مادی تفاوت دارد. در نهایت علوم انسانی و به طور کلی علم تولید شدنی نیست.

وی در پاسخ به این اشکال گفت: اگر ما برای علم ذات قائل نباشیم این نقد وارد نیست اما اگر برای علم ذات قائل شویم علم تولید کردنی نیست بلکه یافتنی است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: اگر برای علم ذاتی قائل باشیم مثل ریاضی و فیزیک و... عالم وقتی به یک حقیقت علمی می‌رسد نمی‌تواند بگوید من آن را تولید کردم چون آن قانون همیشه بوده است. بلکه می‌تواند مانند ارسطیدس بگوید «یافتم».

وی افزود: اما این حقیقتی که ذات خود را دارد در آن زمان از جهان خودش وارد ذهن پژوهشگر می‌شود و بعد از آنکه وی آن را نوشت و به تعلیم و تعلم راه پیدا کرد وارد فرهنگ و جهان سوم می‌شود. ورود معرفت به جهان دوم و سوم حاصل تلاش انسان است لذا تولید انسانی است.

پارسانیا گفت: من نمی‌توانم احکام هندسه را عوض کنم اما می‌توانم آن را بفهمم و وارد جهان خودم کنم و با او متحد شوم. اتحاد من با او تولید من است و اگر بخواهیم آن را وارد زبان و کتابت کنیم، تولید خواهد بود.

وی ادامه داد: این نگاه دوگانه تولیدی بودن و یا یافتنی بودن علم را حل می‌کند که ناشی از دوگانه ذات داشتن علم و یا برساخته بودن آن است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: همه علوم از آن جهت که وارد فرهنگ و ذهن انسان می‌شوند حاصل تلاش و کوشش انسان است اما به لحاظ ذاتی، برساخته نیستند. لفظ تولید را کسی آسیب می‌داند که برای علم ذات قائل باشد.

وی افزود: روش رسیدن به ذات یک معرفت یک بحث است و روش توزیع آن در جهان سوم بحث دیگری است.

این استاد دانشگاه در مورد اشکال دیگری که مطرح شده گفت: یک اشکال دیگر وجود دارد که می گوید بر خلاف تصور شایع، علوم انسانی غربی، علم محض و دارای خصوصیت عینیت است. به بیان دیگر علم بر خلاف فرهنگ، مقوله ای عام و جهان شمول است و تعلق به اقلیم خاصی ندارد که بتوان آن را به اقسام شرقی و غربی یا دینی و سکولار تقسیم کرد. علوم انسانی از آن جهت که علم است با دین و فلسفه و ایدئولوژی و فرهنگ متفاوت است. پس مخالفت با علوم انسانی غربی بلکه حتی غربی خواندن آن صواب و به جا نیست.

پارسانیا در پاسخ به این اشکال گفت: این اشکال هم مبتنی بر یک مبنای معرفت شناسی خاص است. می خواهم بگویم این اشکال هم یک اشکال در خلأ نیست، یک اشکالی است که یک عقبه ای دارد و می توان از آن مبنای پرسش کرد و آن این است که علم ذات دارد، لذا شرقی، غربی، اسلامی و غیر اسلامی ندارد. کسانی که معتقد به اسلامی کردن علوم هستند باید در این معنا که علم ذات دارد با پرسشگر همراه باشند و الا نبود ذات باوری با دین داری سازگار نیست.

وی ادامه داد: این با دین سازگار نیست که کسی معتقد باشد آنچه در کتاب مقدس او (قرآن) است، این معانی برای خودشان ذات ندارد و ما برای یک سری نیازهای اجتماعی و کارکردهایی که داشته اند این معانی را ساخته ایم.

این استاد دانشگاه گفت: این اشکال گاهی وسیع تر مطرح می شود که عقل یا فلسفه به دینی بودن متصف نمی شود. گاهی نیز گفته می شود علم به دینی بودن و غیر دینی بودن متصف نمی شود بلکه علم و عقل باید غیر دینی و سکولار باشد.

وی افزود: علم بر حسب ذات خودش به دینی بودن یا غیردینی بودن متصف نمی شود. ذات علم ارائه حقیقت است و نوری است که می خواهد حقیقت را نشان دهد. یعنی عقل و علم بر حسب ذات خودش نه دینی است و نه سکولار. عقل آن قوه ای است که می خواهد شناخت حقیقت را داشته باشد. علم یعنی همان شناخت حقیقت. حال شناخت حقیقت نه دینی است و نه غیردینی، نه آسیایی است و نه اروپایی است. کسانی که می گویند حقیقت علم سکولار است همان قدر خطا می کنند که حقیقت علم و حقیقت عقل را دینی می دانند.

پارسانیا گفت: اما عالم یعنی کسی که به دنبال شناخت است به لحاظ واقع در جهان دوم و در عرصه فرهنگ، گرفتار خطا هم می شود. یعنی چیزی که در واقع ما آن را علم می نامیم ممکن است علم نما باشد. یک فرهنگی ممکن است دچار خطا شود، و یک معرفت عمومی باشد اما معرفتی یقینی نباشد، گمانی باشد.

وی ادامه داد: ما در جهان دوم و جهان سوم، یعنی ذهن افراد و درون فرهنگ با علم ناب مواجه نیستیم، دچار خطا هم می شویم. بهترین مثالی که دچار خطا می شویم، زمانی است که دچار تناقض می شویم. بعد از تناقضها برمی گردیم و مجدد ببینیم چرا نتوانستیم به حقیقت برسیم. به بیانی دیگر در جهان واقع آنچه علم گفته می شود، الزاماً علم نیست. ممکن است ما با عالمانی مواجه می شویم که از جهانی که خبر می دهند، یک جهان ماتریالیستی است، علم اینها به دلیل معلوم خودش، متصف به دنیایی بودن و سکولار بودن می شود. این منافاتی ندارد با اینکه ما قائل باشیم علم ذات دارد. علم در جهان دوم و سوم گرفتار خطا می شود و این گرفتار خطا شدن صحنه تناقضات می شود. عده ای از یک جهان قدسی سخن می گویند و عده ای از یک جهان دنیوی سخن می گویند.

وی گفت: راه های دیگری برای اِتصاف علم به غیر دینی یا دینی بودن می تواند وجود داشته باشد. ممکن است آئین من توصیه به فراگیری علم خاصی را کند که در این صورت علم به لحاظ تجویزی دینی یا غیردینی خواهد بود. علم به لحاظ موضوع نیز می تواند به دینی یا غیر دینی متصف شود.